

اوضاع ادبی در عهد گورکانیان هند

آصف اقبال

دانشجوی ادبیات فارسی

دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی نو

در طول تاریخ اولین کسانی که وارد سرزمین پهناوی هند شدند تازی ها بودند. اما آنان فقط برای تجارت آمده بودند. بار دوم افواج محمد بن قاسم در هند نفوذ کرد. اما این نفوذیت برای مدت قلیل بوده. پس از آن غزنویان بر هند حمله کردند، سپس دیگر دودمان ایرانی ها پی به پی آمدند، اما حکومت آنان در مناطق محدودی بود. و دودمانی که بر بساط هند سریر سلطنت گسترده از قبیل دودمان غزنویان، غوریان، ملوکیان، خلجیان، تغلقیان، سادات، و دودمان لودیان بودند که یک بعد دیگر حکمرانی کردند. و نه فقط حکمرانی کردند بلکه بسیاری از ایجادات و اختراعات کردند و برای ترویج و ترقی فرهنگ و ادبیات سعی کردند.

پادشاهان سکندر لودی (1489/1517) دارالسلطنت دهلی را به آگره منتقل کرد و در این ایام محمود بیگره (1458/1511) در گجرات حکومت می کرد و در راجستان (میوار) رانا سنگرام یکی از مستحکم ترین سلطان بود و از طرف مشرق علاءالدین حسین شاه (1493/1519) در بنگاله به صلح و آشتی حکومت می کرد. در جنوب هند سلطنت بهمینی رو به زوال و تکه تکه شده بود و در چندین ریاست منقسم شده بود که چندین بعد به نام نظام شاهی (احمد نگر)، عماد شاهی (برار)، عادل شاهی (بیجا پور)، برید شاهی (بیدر) و قطب شاهی (گولکنده) مشهور و معروف شدند. پس از آن عهد اولین (1525/1540) تیموریان هند در معرض وجود آمد که سرخیل ایشان ظهیرالدین محمد بابر بود. بابر در شجاعت بیعدیل عصر، معامله فهم، تجربه کار، صاحب علم و فضل، فقیه عصر، کاتب و موجد خط نو و نوین (خط بابری) و ذوق شعری هم داشته و رنگین طبع بود و در صبر و شکیبائی همتائی نمی داشت. در سنه دوازده سالگی بر تخت سلطنت جلوه گر شد. وقتی بابر از فرغانه بیرون شد، حکومت خود را در کابل (1504) ساخت. و بالآخر در سال 1526ء علیه پادشاه ابراهیم عادل شاه صف آراء شد. اگرچه به اعتبار تعداد افواج ممکن نبود که بابر موفق شد زیرا که افواج بابر زیاد از پرتو

هزار نبود و سپاهیان عادل شاه زیاد از یک لک سپاهیان بودند، باوجود این قلت و کمیت بابر غالب آمد. اما این نوید فتح بسبب توپ های بابر و توپچی علی بود. و این تجربه برای هندیان نه فقط عجیب بلکه از عجایب هم بود. بعد از انقراض دولت لودیان، اخلاف تیمور بر سریر هند متمکن شدند. بابر بعد از چهار سال در سنه 1530ء داعی اجل را لبیک گفت. سپس پسر بزرگ همایون که در علم نجوم مسلم العلوم و در فن مصوری ذوق عالی داشته، ده سال حکومت کرد و بسبب شیر شاه سوری از هند به ایران رسید. در این مدت شیر شاه که در عدل، نوشیروان ثانی بود و بسیار از کارهای توصیعی برای رفاه عام بکار برده و زمین را از سرنو پیمایش کرده و برای مسافرت شاهراه طول طویل را هموار کرده بود.

بعد از ش پادشاه سلیم به مسند سلطنت رسید و درین عهد بسیاری از نهضت های نو و نوین برای تبلیغ دین اسلام و همان طور از مدعیین مهدی موعود بوجود آمدند. پس از سلیم شاه در سال 1556 همایون با افواج قزلباش برگرداند و دوباره بر سریر حکومت وارد شد، اما زیاد زنده نماند و در قلعه کهنه دهلی از کتاب خانه شیرشاهی پایش لیز خورد و جان آفرین را به معبود حقیقی به سپرد. اکبر پادشاه که عمرش تا هنوز به سن بلوغ هم نه رسیده بود و همراه بیرم خان در مسافرت بود، وقتی خبر وفات همایون رسید، اکبر در کلانور (گروداس پور مشرقی پنجاب) بود، بر مسند سلطنت جلوه افروز شد.

ایشان هند را جای تسکین و راحت شمردند و آنها می خواستند که همه هندوستان را در یک نظم و نسق بسفتند و برای اتحاد وحدت ملک و ملت، کوشش های بسیاری می کردند و برای این خواب وحدت، حتی اگر کسی در راه می آمد مجادله را هم روا می داشتند و برای تکمیل تعبیر خواب خود بسیاری از جنگ و جدال می کردند و کسی که میان خواب آنها می آمد زیر تیغ می نهادند. و در همین کوشش بسیاری از راه های طول و طویل را هموار کردند و برای تحفظ آن راه ها، سلسله مهمان سرای و پیغام رسانی و شهرها و ده ها را با یک دیگر راه پیدا کردند. و برای انتظام و انسجام حکومت شبکه های صنعت و حرفت، فرهنگ و تمدن را ترویج می دادند. اگرچه زبان آنها ترکی، فارسی یا عربی بود اما برای سخن گفتن زبان محلی و هندوستانی را می آموختند و همه زبان ها را زبان ادبی می شمردند و در همین سعی و کوشش در شمال هند زبانی را ترویج دادند که بعد از چندین صد

سال به مرتبه زبان مستقلی یافت. و برای پیشرفت و ترویج فرهنگ هند بسیاری از اشیاء، درمیان هندی های عامه ، رایج شدند. اگرچه بعد از امتداد ازمنه آن همه جزو اصل هندی معلوم می شوند و بدون تحقیق عمیق معلوم نمی شود که از کجا و کی آمده اند. این مسلم است که ما فراموش کردیم که قالین و چلن، حوض و فواره، دسترخوان و ظروف، صراحی و آفتابچی، کلاه و پاپوش، لباس های دوزیده، آئین ملاقات، دست در دست دادن (مصافحه)، تقسیم بندی خانه ها که قطعه ای برای ملاقات و خلوت و جلوت جداگانه به نظر می آیند و دعوت های که همه انسان بر یک خوان و مجلس می خورند و حکم عام برای تحصیل تعلیمات و بسیاری اشیاء از همین قبیل که با مسلمانان در هند دخول و نفوذ کردند و در رگ جان های هندی ها و در روح های آنان این چنین سرایت کنند که امروز از اصل هندی معلوم می شوند.

شاهکارهای ادبی در عهد اکبر

پادشاه اکبر نه فقط برای فرمانروایی معروف بود، بلکه او یک علم دوست، قدر دان شعرا و نویسندگان و علماء و فضلا آن بود. بعد از شنیدن خبر بسیاری از نویسندگان و شاعران به دربار وی تشریف آوردند. و برای ترویج زبان و ادبیات فارسی کارهای نافراموشی انجام دادند. ارزش و اهمیت آنان چه در گذشته، در چه در حال، چه در آینده از دست نداده و نخواهد داد. و علما و صلحا، پادشاه و امرا برای گسترش زبان فارسی بسیار جد و جهد کردند و به همین سبب بسیاری از کتابهای فارسی و هندوستانی ترجمه شدند و در ادبیات جهانی بسیار مقبولیت بدست آوردند. اینجا چند کتابهای معروف در این زمان که ترجمه شده زیر می آید:

سنگهاسن بتیسی

سنگهاسن بتیسی یا "نامه خرد افزا" ترجمه از سنسکرت به زبان فارسی از دست عبدالقادر بدایونی به اتمام رسید. و این را در سال 982 هـ وقتی پادشاه اکبر از مهم بهار باز آمد، بمقام شیرگره که در مفاضات قنوج واقع است، رسید. بدایونی را حکم فرمود که این کتاب که حاوی بیست حکایت در مورد راجه بکرماجیت است.

مهاپارت

در سال 990 هـ / 1582 در ترجمه مهاپارت شد. اگرچه امروز این ترجمه معروف به میر غیاث الدین علی قزوینی مشهور به نقیب خان است و به تصحیح سید محمد

رضا جلالی نائینی از چاپخانه کتابخانه طهوری تهران در سال 1358 ش انتشار یافت. این کتاب بدایونی مشتمل بر قصه، مواعظ، مصالح، اخلاق، آداب، معارف اعتقادات، بیان مذاهب و طریق عبادات ایشان در ضمن جنگ طایفه کوروان و پندوان که فرمان روایان هند بودند، این همه موضوعات در این کتاب فوق العاده بیان شده است.

ترجمه راماین

راماین را در سال 992 هـ / 1584 بدستور پادشاه اکبر ترجمه منظوم شروع کرد و تا سال 997 هـ / 1587 در مدت چهار سال به تکمیل رساند. این کتاب پیش از مهابهارت نوشته شده است. در این کتاب بیست و پنج هزار شلوک دارد و هر شلوک فقره‌ای است شست و پنج حرفی و آن افسانه‌ای است درباره ذکر رام چندر که راجه شهر اوده (ایودهیه) و او را هندوان به طریق حلول به خدایی می پرستند و از راون جنگید و در نتیجه فتح و باز آمدن از بن (بنواس) در هند تا امروز جشن چراغان به صورت عید برگزار می شود.

تاریخ کشمیر

نویسنده اصلی این کتاب کلهن بود او در زمان پادشاه زین العابدین به زبان سنسکرت به صفحه قرطاس درآورد. این کتاب درباره تاریخ تمدن هزار ساله کشمیر هست. در سال 998 هـ بحکم اکبر پادشاه "تاریخ کشمیر" را ملخص کرد که ترجمه مولانا شاه محمد شاه آبادی در زبان فارسی بود. و آن را نه فقط تلخیص کرد بلکه آن را به زبان فارسی ساده و سلیس نوشت.

لیلاوتی

این کتاب معروف در مورد ریاضی هست. پندت بهسکرا چاریه این کتاب را به زبان سنسکرت نوشت. در سال 1586 ع بحکم پادشاه اکبر ابوالفضل با کمک پندت هندوان به زبان فارسی ترجمه کرد که دارای ارزش و اهمیت زیاد داشت.

اکبرنامه

اکبرنامه تاریخ سلطنت اکبر اثر ابوالفضل مبارک، یکی از مهمترین کتاب عهد تیموریان است که اطلاعات جغرافیایی و سیاسی هند بیان شده است. این اثر از مهمترین منابع تاریخی دوره سلاطین گورکانی هند، و به موازات آن یکی از مآخذ مهمی است که در نگرش مجدد به تالیف تاریخ دوره صفوی حایز اهمیت است.

منابع و مأخذ

- 1 عبد الرحمن : سيد صباح الدين ، بزم تیموریه ، جلد اول، دارالمصنفین شبلی اکیدمی اعظم گره 1995 .
- 2- عبد الرحمن : سيد صباح الدين ، بزم تیموریه ، جلد دوم، دارالمصنفین شبلی اکیدمی اعظم گره 1995 .
- 3- عبد الرحمن : سيد صباح الدين ، بزم تیموریه ، جلد سوم، دارالمصنفین شبلی اکیدمی اعظم گره 1995 .
- 4- آفتاب : اصغر، تاریخ نویسی در هند و پاک . چاپ خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران لاهور.
- 5- آملی : آیه الله جوادی ، مبدء و معاد . چاپ چاپخانه علامه طباطبائی 1372 ش .
- 6- حبیب : عرفان ، عهد وسطی کا هندوستان . مترجم اقتدار عالم خان . نیشنل بک ترست انڈیا نہرو بھون ، انسٹیٹیوشنل ایریا ، 2 ، وسنت کنج ، نئی دہلی 2010 .
- 7- بدایونی: عبد القادر، منتخب التواریخ جلد اول تصحیح مولوی احمد علی صاحب چاپ تہران .

